

جرا بنگاه‌های صنعتی مان بزرگ نمی‌شوند؟

حسین حقیگو • کارشناس اقتصادی

● بنگاه‌های صنعتی در کشورمان یا کوچک به دنیا می‌آیند و بزرگ نمی‌شوند یا اصولاً بزرگ به دنیا می‌آیند. این امر به سبب انحصار و نبود رقابت، ناکارایی و آسیب‌پذیری از تعامل با جهان، رانتی‌بودن اقتصاد و... است. این امر سبب شده است «برخلاف انتظار، در تمامی رشته‌فعالیت‌ها، بهره‌وری کل عوامل تولید، نسبت به اندازه بنگاه نزولی باشد. به این معنی که در صنعت ایران، هرچه بنگاه‌ها بزرگ‌تر می‌شوند، بهره‌وری (رقابت‌پذیری) آنها کاهش می‌یابد». (افزایش توان رقابت‌پذیری صنعتی ایران- نیلی، درگاهی، فاطمی- ۱۳۹۱). در واقع حاکمیت چند دهه الگوی «خودکفایی» و «جاکبیزی واردات» و نیز اتکا به صنایع مبتنی بر منابع خام طبیعی عملاً رشد و توسعه صنعتی کشور را بسیار ناسازوار کرده است. رشد بخش‌های مختلف صنعتی کشور، اعم از صنایع مصرفی کم‌دوام و بادوام، بخش ساختمان، خودرو، قطرات اساسی و پتروشیمی که ۶۵ درصد ارزش‌افزوده صنعت را به خود اختصاص می‌دهند، در قالب تقاضای داخلی و انرژی و نهادهای ارزان (و از جمله آب فراوان و ارزان) و حمایت‌های تعرفه‌ای و ساختار شبه‌انحصاری و... شکل گرفته‌اند که در تضاد با تولید کالا‌های رقابتی و با رویکرد صادراتی است. تغییر نگرش به تولید کالای رقابتی و متکی به دانش و فناوری و در نتیجه بزرگ‌شدن اندازه بنگاه‌های صنعتی و افزایش رقابت‌پذیری آنها و انباشت سرمایه عمدتاً از منابع درونی این بنگاه‌ها، ارتقای سرمایه انسانی، سیاست‌های مناسب تجاری و... تغییری ساده نیست و جرئت و جسارتی برآمده از آگاهی و دانش عمیق را می‌طلبد که چندان نشانی از آن مشاهده نمی‌شود. چنان‌که مثلاً شنیده می‌شود وزارت صنعت در اجرای بند «ح» ماده ۴۶ قانون برنامه ششم توسعه مبنی بر «ارائه طرح توسازی و بازسازی صنایع کشور در سال اول برنامه» و زودتر از مهلت قانونی تعیین‌شده، فهرستی از حدود ۱۱ هزار بنگاه صنعتی در رشته‌های مختلف را برای بازسازی و توسازی با اختصاص هفت میلیارد دلار و حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان تسهیلات کم‌بهره آماده و برای تصمیم‌گیری روانه دولت کرده است. در این فهرست مثلاً عنوان شده است: از ۴۴۰ بنگاه تولید کفش، ۱۵۰ بنگاه، از ۹۰۰ بنگاه قطعه‌سازی، ۴۰۰ بنگاه، از ۴۰۰ بنگاه تولید لوازم خانگی، ۴۰ بنگاه، از ۱۲۰ بنگاه کاشی و سرامیک، ۹۶ بنگاه و... نیاز به توسازی یا بازسازی دارند که این امر با تأمین مبالغ هنگفت داری و ریالی قابل‌انجام است.

این منابع، سومین محموله کمک‌هایی است که از سوی دولت قرار است برای سرپانگه‌داشتن بنگاه‌های صنعتی مشکل‌دار روانه این واحدها شود؛ در سال گذشته نیز ۱۶ هزار میلیارد تومان تسهیلات کم‌بهره به حدود ۲۴ هزار بنگاه کوچک و متوسط تخصیص داده شد و امسال نیز قرار است ۳۰ هزار میلیارد تومان به ۱۰ هزار واحد صنعتی پرداخت شود. این در شرایطی است که تمامی کارشناسان اقتصادی و از جمله دستیار ارشد اقتصادی بالاترین مقام اجرایی کشور از ظرفیت خالی صنایع و کمبود شدید تقاضا و توان محدود صادراتی و گرهِ‌خوردن بخش‌های عمده صنعت کشور با مسکن و ساخت‌وساز و... سخن می‌گویند و اینکه «نیاز به طی دوران گذاری است تا واحدهای صنعتی کشور که اساساً بر مبنای نیاز داخل تولید می‌کردند، به بنگاه‌های صادرکننده تبدیل شوند. البته باید توجه داشت این دگردیسی به‌صورت طبیعی و خودبه‌خود رخ نمی‌دهد و نیاز است تا از منظر دیپلماسی اقتصادی و سیاست‌گذاری کلان اقتصادی، بستر برای این تغییرات هموار شود». (دکتر مسعود نیلی- ۹۶/۴/۲۶ به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان گسترش و توسازی صنایع ایران- ایدرو). واقعیت آن است که مسیر توسعه صنعتی هر کشوری بسته به پاسخی است که به یک پرسش بنیادین می‌دهد و آن این است که «انباشت سرمایه و منابع لازم برای رشد و توسعه صنعتی را از کجا و چگونه فراهم می‌کند؟». پاسخی که تاکنون متأسفانه در کشورمان به این پرسش پاسخ داده شده، نه تأمین منابع از طریق پس‌انداز خصوصی یا بازار سرمایه و سرمایه خارجی- چنان‌که در کشورهای توسعه‌یافته و موفق در مسیر توسعه انجام شده- بلکه دولت و منابع نفتی بوده است. نتیجه آن نیز پس از دهه‌ها وضعیت نابسامان فعلی است: تعداد اندکی بنگاه بزرگ انحصاری و شبه‌انحصاری و کثیری از بنگاه‌های کوچک و متوسط نیازمند حمایت و کمک دولت. درمجموع آنکه تا بنگاه‌های صنعتی و اقتصادی کشور بزرگ نشوند، صنعت و اقتصاد نیز بزرگ نخواهد شد. هر کشوری نیازمند بنگاه‌های بزرگ و برنده‌ای مطرح است تا از طریق کاهش هزینه‌ها و جمعیت منابع، با تولید محصولاتی رقابتی توان اقتصادی آن کشور را در جهان عرضه کند. اما چنان‌که ذکر شد، این بزرگی «آداب و ترتیب» یا همان «استراتژی توسعه صنعتی» می‌خواهد که متأسفانه حلقه مفقوده روند توسعه‌ای کشورمان است و به‌نظر تا زمانی که این ضرورت تأمین نشود و با ایجاد فضای رقابتی بند ناف تولید صنعتی کشور را از دولت قطع نکنیم، در بر همین پاشنه خواهد چرخید و هر سال باید شاهد مرحله‌ای دیگر از اعطای تسهیلات کم‌بهره و اجرای طرح‌های رونق تولید و... و مجموعه‌ای عظیم از بنگاه‌های کوچک و متوسط کمتر کارآمد باشیم، بدون ماه‌های بزرگی که صنعت کشور را نمایندگان کند!

کارشناسان در گفت‌وگو با «شرق» به این پرسش پاسخ می‌دهند: «انحصار یا رقابت؟»

انحصار؛ کفر ابلیس نیست

سرمفهوم رقابت و انحصار بازی خورديم



همه کارخانه‌های خودروسازی گفت‌با کنار روید یا فقط وانت تولید کنید و فقط هیوندای می‌تواند سواری تولید کند. تا سال ۱۹۸۶، با این کار اقتصاد صرفه به مقیاس شد و قطعه‌سازی و طراحی‌ها بالا آمدند، چون یک واحد تولید سواری وجود داشت. شش سال بعد، به کیاموتور و دوو هم اجازه تولید خودروی سواری داد. همان زمان آسیاموتور هم بود، اما از بین رفت. سال ۲۰۰۵ چین دوهزار کارخانه سیمپان داشت، نهاد فراقوه‌ای در این کشور گفت فقط از ۱۲ کارخانه حمایت می‌کند. بقیه که اعتراض کردند، اعلام کردند با این واحدها ادغام شوید یا سهام خود را به آنها بفروشید. به بانک چین اعلام کردند فقط منابع این ۱۲ کارخانه را تأمین کن. بعد از این تصمیم، نتیجه حیرت‌انگیز است: تا سال ۲۰۱۰ ظرفیت تولید سیمپان چین از حدود ۸۰۰ میلیون تن به حدود هزار و ۸۰۰ میلیون تن افزایش پیدا کرد؛ بدون اینکه چندان سرمایه‌گذاری اضافه‌تری داشته باشد. الان هم سیمپان را در امارات ارزان‌تر از ما می‌فروشند. نفت هم ندارد. پس همه‌جا انحصار بد نیست».

مخالفت‌ذی نفعان با انحصار سالم

محمد بحرینیان، صنعتگر و پژوهشگر توسعه در این زمینه به «شرق» می‌گوید: «ریشه اصلی، در بین دولت‌ها و ذی‌نفعان است. آنها برای اینکه مبادا در ایران صنعتی با فعالیتی قدرتمند شود و بتواند حرفی برای گفتن داشته باشد، تحت واژه رقابت و انحصار وارد می‌شوند و اجازه نمی‌دهند مثلاً تنها دو واحد خودروسازی داشته باشیم و دولت اقتدار داشته باشد که اینها دست از پا خطا نکنند».

این صنعتگر با اشاره به چین، کره، مالزی، سنگاپور و ژاپن، ادامه می‌دهد: «در این کشورها اگر بخش خصوصی دست از پا خطا کند، باید زندان هم ببرد، اما اجازه نمی‌دهند «کارخانه آزمایش»-شان نابود شود، چون دولت‌ها به طور کامل و از روی عقل به این نتیجه رسیده‌اند که در «آزمایش» یا «ارج»، مهم این است که دانش ضمنی حاصل‌شده از میلیاردها تومان منابع محرومان کشور خوابیده و اجازه ندارند نابودش کنند. به همین دلیل چون براساس راهبرد، اصل «انتخاب و تمرکز» را پیش گرفته، می‌گویند در «هیوندای» و «سامسونگ» ذخیره دانش جمعیم و انباشته شده وجود دارد که هزاران میلیارد خرجش کرده‌ایم. می‌خواهیم در سطح جهانی رقابت کنیم نه در سطح ملی پس اجازه نمی‌دهیم سامسونگ نابود شود. مدیریتش به زندان می‌رود و آب از آب تکان نمی‌خورد».

او با بیان اینکه در ایران اصل «اتفاق و تصادف»

حاکم است، ادامه می‌دهد:

یعنی می‌گویند من ۹۸۵ کارخانه فرش ماشینی به وجود می‌آورم تا یکی، دو تا موفق شوند که آنها هم موفق نمی‌شوند. چون وقتی رقابت مخرب شد، نقطه شروع فساد است. به این دلیل، برای بقا در نظام بانکی که قابل نظارت نیست، باید با مفسده تسهیلات جور کنی که بقا داشته باشی. اینها همه جنبه‌های فساد است و به همین خاطر کسانی هستند که می‌گویند نمی‌توانیم در این

شرایط کار کنیم».

بحرینیان در مثالی دیگر می‌گوید:

«تقریباً شش میلیون تن تولید گوجه‌فرنگی داریم. از شش میلیون تن تولید ما، حدود سه‌میلیون و ۳۰۰ هزار تن تازه‌خوری است. به حدود ۲۳۰ واحد تولید رب هم پروانه بهره‌برداری داده‌ایم و ۳۰۰ واحد هم در دست اجراست. از شش میلیون، حدود دومیلیون و ۶۰۰ هزار تن باقی می‌ماند. از هر کیلو گوجه‌فرنگی ۲۰۰ گرم رب تولید می‌شود. ظرفیت واحدهای دارای پروانه بهره‌برداری‌مان حدود دومیلیون و ۲۰۰ هزار تن است. دومیلیون و ۶۰۰ هزار تن گوجه را می‌توانیم به رب تبدیل کنیم. یعنی چیزی حدود ۶۰۰ هزار تن رب گوجه‌فرنگی می‌توانیم تولید کنیم. همه کارخانه‌های رب باید مواد داشته باشند.

به این میزان اصلاً گوجه‌ای وجود ندارد! دولت هم بدون فکر، اجازه به‌وجودآمدن این کارخانه‌ها را داده و سرمایه‌ها خوابیده است. در این بین، دلال‌ها وسط می‌آیند. کشاورزان گوجه‌فرنگی را کیلویی مثلاً ۴۰۰، ۳۰۰ تومان می‌فروشند و دلالان که می‌خواهند برای کارخانه‌ها خرید کنند با هم رقابت می‌کنند که خسارت جمعی به کشور وارد می‌شود و قیمتی که به دست مصرف‌کننده می‌رسد، سه‌هزار تومان می‌شود. خود این قضیه هم ممکن است باعث فساد منابع تسهیلاتی شود».

این صنعتگر با انتقاد از اینکه در ایران ۵۲ خودروساز داریم، تأکید می‌کند: «انحصار همیشه بد نیست. اگر در برخی زمینه‌ها انحصار نداشته باشیم، صرفه به مقیاس به وجود نمی‌آید و نمی‌توانید کاری از پیش ببرید. سال‌۱۹۸۰ دولت کره‌جنوبی به

ادغام شوند. در بیان دیگر هرچه مقیاس آنها بزرگ‌تر شود، هزینه رقابت آنها کاهش یافته و صرفه به مقیاس افزایش یافته و قدرت رقابت‌پذیری آنها نیز افزون می‌شود».

انحصار در ایران، فسادآور است

او در بیان علت آنچه فساد ناشی از انحصار بیان می‌کند، می‌گوید: «این موضوع در کشورهای مختلف متفاوت است. در کشورهای در حال توسعه بهتر آن است که قوانین ضد انحصار باشد به‌ویژه در اقتصادهایی نظیر اقتصاد ایران که از درجه بالای فساد برخوردار است، انحصار، کیفیت را کاهش داده و عملاً فساد را نیز افزایش می‌دهد. علاوه بر آنکه رقابت‌پذیری را نیز کاهش می‌دهد و بنگاه‌ها نمی‌توانند با رقبای بین‌المللی و منطقه‌ای رقابت کنند و از طرف دیگر نارضایتی بیشتر می‌شود».

او با بیان اینکه صنایع ما کلاً در سباز منطقه‌ای و بین‌المللی نیستند، ادامه می‌دهد: «انحصار صنایع در داخل کشور است و برای اقتصاد ما مضر است، اما فرضاً در اقتصادی مانند اقتصاد آمریکا، ممکن است ایل در داخل کشور انحصار داشته باشد، اما ایل خود را یک شرکت آمریکایی نمی‌داند، بلکه برای خود مأموریت فراملیتی قائل شده و چندان خود را سامسونگ می‌داند و انحصار چندان برایش

انحصار کفر ابلیس نیست

این پژوهشگر توسعه با بیان اینکه کشوری که نتواند اقتصاد مقیاس داشته باشد در هیچ چیز نمی‌تواند پیشرفت کند و در دام خودساخته گرفتار می‌شود، می‌افزاید: «واژه‌هایی را در سرمان انداخته‌اند و تصور می‌کنیم انحصار کفر ابلیس است. دولت‌های ما چون قدرت ندارند، نمی‌توانند بر انحصار نظارت کنند. این قضیه در بانک‌های ما هم اتفاق افتاده است. بانک مرکزی با این همه قدرت نمی‌تواند نظارت داشته باشد چون وقتی تعداد زیاد می‌شود، خزند کار از دست در می‌رود. یا فرض کنید در زمینه منسوجات، تعداد کارخانه‌ها در سال ۱۳۳۲، ۲۴۴ واحد بوده. در سال ۱۳۳۸، یعنی چهار سال بعد، به ۸۲۹ کارخانه منسوجات می‌رسد که با عقل و منطق جور در نمی‌آید».

سرمفهوم رقابت و انحصار بازی خورديم

او با اشاره به بازی‌خوردن ایران سر واژه رقابت و انحصار تصریح می‌کند: «این واژه‌ها عمداً در کشورهای عقب‌مانده و همچنین کشور ما راه افتاده است. اگر قرار می‌شد در صنعت به‌صورت علمی و طبق یک راهبرد پیشرفت می‌کردیم، واقعاً الان کسی نمی‌توانست جلوی ما را بگیرد. چون به لحاظ موقعیت مکانی در شرایط طلایی قرار گرفته‌ایم».

انحصار مشروط

وحید شقاقی‌شهری، اقتصاددان، نظری متفاوت

دارد. او در گفت‌وگو با «شرق» درباره انحصار شرط می‌گذارد و می‌گوید: «انحصار در مجموع برای هر اقتصادی مضر است و مانع رقابت و عملاً موجب ایجاد رانت و مفسده می‌شود و آلودگی اقتصاد را افزایش می‌دهد، اما وقتی وظیفه و مأموریت یک صنعت، بین‌المللی تعریف می‌شود، حتی اگر در داخل انحصار وجود داشته باشد، اشکالی ندارد. در واقع رقبای او منطقه‌ای و بین‌المللی هستند و ماهیت رقپایش تغییر می‌کند و آنجا رقابت معتدادر خواهد بود». به گفته او، منظور از آلودگی اقتصاد، آلوده‌سازی مدیریت و حکمرانی است، زیرا موجب تمرکز قدرت می‌شود.

شقاقی‌شهری معتقد است: «انحصار مانع نوآوری و پویایی اقتصاد و موجب ازین‌رفتن دغدغه رقابت می‌شود و اگر چنین شد، امکان نوآوری و ارتقای کیفیت از بین می‌رود».

رقابت هزینه بنگاه را افزایش می‌دهد

این اقتصاددان با بیان اینکه رقابت برای بنگاه‌ها هزینه را افزایش می‌دهد، ادامه می‌دهد: «وقتی دو، سه برند با یکدیگر در جهان رقابت می‌کنند، موجب می‌شود آنها هزینه رقابت را متحمل شوند و دوم، صرفه‌های مقیاس به تولید آنها کاهش یابد. بنابراین هرچقدر بنگاه‌ها بزرگ‌تر شوند، از نظر صرفه مقیاس به تولید به‌نفع آنها تمام می‌شود. وقتی بنگاه‌ها بزرگ‌تر می‌شوند، می‌توانند علاوه بر کالای خاص، کالاهای جانبی هم تولید کنند یا هزینه‌های تولید آنها با افزایش صرفه به مقیاس کمتر می‌شود. بنابراین بنگاه‌ها درمجموع در دنیا تمایل دارند که با همدیگر

مفهومی ندارد. یا در مثالی دیگر مایکروسافت درست است آمریکایی است، اما در جهان پنج شعبه دارد و شعبه چین مایکروسافت به‌شدت قدرتمندتر است. درواقع، شرکت‌های فراملیتی محدوده جغرافیایی ندارند و انحصار برایشان چندان مفهومی ندارد. بازار منطقه‌ای و بین‌المللی برایشان مفهوم دارد، اما ما در ایران شرکت منطقه‌ای هم نداریم چه رسد به شرکت فراملیتی. شرکت‌های ما همه سباز داخلی دارند. بنابراین وقتی انحصار ایجاد می‌شود، به‌شدت به ضرر اقتصاد تمام می‌شود».

شقاقی‌شهری با بیان اینکه ما که نمی‌خواهیم سر رقابت کلاه بگذاریم، می‌گوید: «وقتی بنگاه‌ها در سطح جهان وارد عرصه رقابت می‌شوند، رقابت سالمی را که صادرات‌محوری و تعامل با اقتصاد جهانی است هدف قرار می‌دهند، درحالی‌که هنوز در اقتصاد ایران چیزی به نام رقابت (از نوع رقابت سالم) وجود ندارد. رقابت در ایران هرجا هم که باشد، صوری و شکلی است».

چرا رقابت در ایران مفهومی ندارد؟

وقتی از او در این‌باره می‌پرسیم که به چه دلیل نتوانستیم رقابت ایجاد کنیم، پاسخ می‌دهد: «دلیل آنکه نتوانستیم رقابت ایجاد کنیم، به دلیل اقتصاد رانتی و دولتی است. اقتصاد رانتی و دولتی اجازه رقابت نمی‌دهد. در چیزهای ساده مانند چادر هم نتوانسته‌ایم رقابت داشته باشیم. اجازه نمی‌دهند برای تولید چادر در داخل کشور، کارخانه تأسیس شود زیرا انحصار واردات چادر داریم. انحصار واردات اجازه نمی‌دهد برخی بنگاه‌ها را که نیاز داخلی دارند تأسیس کنیم. انحصار برای ذی‌نفعان منافع کلان دارد بنابراین اجازه ایجاد رقابت سالم داده نمی‌شود».

به گفته او، به اندازه‌ای شرکت‌های انحصاری در ایران قدرت دارند که همه را می‌خرند و اجازه ورود بنگاه‌های دیگر را به صحنه نمی‌دهند. رقابت در اقتصادهای رانتی سخت است، زیرا دولت به‌واسطه تک‌محصولی‌بودن (وابستگی به درآمدهای نفتی) چندان نیاز به بخش خصوصی ندارد. وقتی دست دولت به سمت بخش خصوصی دراز می‌شود که قصد دارد مالیات بگیرد، در اقتصاد تک‌محصولی ایران چندان این موضوع حس نشده و چندان انحصار و رانت‌زدایی هم دنبال نشده است».

بحران آب کشور از نوع مدیریت حادثه سانچی

واقعیت آن است که ابزارهای قانونی کافی برای مدیریت منابع آب کشور در اختیار دولت بوده است و به طور خاص درباره بخش کشاورزی که حدود ۹۰ درصد منابع آب کشور به وسیله آن بخش مصرف می‌شود، ظرفیت‌های قانونی کافی وجود دارد. تولیدات بخش کشاورزی به طور چشمگیری تحت تأثیر وضعیت منابع آب و همچنین سیاست‌گذاری‌های نهاد متولی است؛ بنابراین اجرای تکالیف مقرر در قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب سال ۱۳۸۹ و همچنین قانون تمرکز وظایف و اختیارات بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی مصوب سال ۱۳۹۱ باید با جدیت بیشتر در دستور کار وزارت جهاد کشاورزی قرار گیرد.

واقعیت آن است که با استقرار دولت یازدهم و حضور وزرای باتجربه در وزارتخانه جهاد کشاورزی انتظار می‌رفت اقدامات مؤثری درخصوص مدیریت بهینه منابع آب کشور انجام شود، اما شواهد موجود حاکی از عدم اقدام جدی است. تا دیر نشده، با توجه به شرایط خشک‌سالی در کشور، به‌عنوان یک اقدام کوتاه‌مدت و مؤثر در حوزه کشاورزی انتظار می‌رود با رویکرد رعایت الگوی بهینه کشت ملی، منطقه‌ای، کاشت محصولات غیراستراتژیک و پرمصرف آب در کشور با توجه به دو مقوله آب مجازی و استراتژیک‌بودن محصولات کشاورزی مدیریت شود. جلوگیری از تولید محصولاتی مانند هندوانه که گاهی با فاسدشدن در مزرعه و فقدان تقاضای مؤثر برای آن یا صادرات به بهای ناچیز که به‌نوعی به مفهوم صادرات یارانه از کشور است، می‌تواند برخی از اقدامات کوتاه‌مدت وزارت جهاد کشاورزی باشد.

شرایط پیش‌روی کشور، ایجاب می‌کند ضمن مدیریت تولید محصولات پرمصرف و غیراستراتژیک، با وجود محدودیت مالی دولت، حسب لزوم منابع کافی برای تشویق کشاورزان به رعایت الگوی کشت بهینه و همچنین واردات محصولات استراتژیک در سال آتی در نظر گرفته شود که اگر دیر اقدام شود هزینه‌ای زیاد در سطح ملی به دولت و ملت تحمیل خواهد شد و با هم افسوس خواهیم خورد که چرا... پس اگر کمیته بحران یا هر سازوکار مدیریتی مناسبی برای تصمیم‌گیری به‌موقع نیاز داریم، همین الان تشکیل دهیم که فردا دیر است... .

اینترنت پتیاک



بدون توقف!

پهنای باند اختصاصی ویژه سازمان ها و ادارات
با تجهیزات رایگان و تعرفه عالی

www.petiak.com

دارای پروانه سراسری ارائه خدمات ارتباطی ثابت از سازمان

تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی به شماره ۱۱ - ۹۵ - ۱۰۰

۲۳۴۹-۰۲۱